

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۸ سپتمبر ۲۰۱۸

## یا "همسوئی و هماهنگی با منطقه" و یا "چاکری به امپریالیزم"

شما هم حتماً در جریان قرار دارید که به تاریخ ۲۶ سپتمبر مطابق با چهارشنبه چهارم میزان، درست در هنگامی که در نیویارک اجلاس سران کشورهای جهان به ارتباط "مجمع عمومی سازمان ملل متحد" در جریان بود در هتل آزادی شهر تهران، زیر نام "کنفرانس امنیتی یک روزه" نمایندگان پنج کشور روسیه، هند، چین، ایران و افغانستان به دعوت "علی شمخانی" دبیر امنیت ملی کشور ایران جمع شده به ارتباط اوضاع امنیتی منطقه مذاکراتی را انجام داده؛ در اخیر قطعنامه ۱۱ ماده ای را به تصویب رسانیدند .

اعضای شرکت کننده متشکل از هیأت روسیه به سرپرستی «نیکلای پاتروشف» دبیر شورای امنیت ملی فدراسیون روسیه، هیأت هند به سرپرستی «اجیت دوال» مشاور امنیت ملی نخست وزیر هند، هیأت چینی به سرپرستی «دانگ جینگ وی» مقام امنیت ملی چین، هیأت افغانستان به سرپرستی «حمدالله محب» مشاور امنیت ملی رئیس جمهور افغانستان و هیأت ایران به سرپرستی "علی شمخانی" دبیر امنیت ملی ایران، بودند .

به نظر من نکات مهمی که به ارتباط این کنفرانس یک روزه می توانند قابل تأمل باشند، قرار آتی اند:

\*- همزمانی تدویر این جلسه، با اجلاس مجمع عمومی ملل متحد که در آن امپریالیزم جنایتگستر امریکا به اساس برخورداری از ریاست دوره ای بر شورای امنیت، امکان میدان داری بیشتری را دارا بود، به شکلی از اشکال صرف در محدوده منطقه ئی، تقابل آشکار چهار کشور شرکت کننده عضو "بریکس" که سه کشور آن عضو رسمی و دایمی پیمان امنیتی شانگهای نیز می باشد، به شمار می رفت. آنها با انتخاب چنین تاریخی در عمل به امپریالیزم امریکا به واسطه تقارن زمانی انتخاب جلسه، پیام آمادگی جهت رویارویی خویش را ارسال نمودند .

\*- خلاف دعوت نکردن از کشورهای آسیای میانه که می تواند مبین دنباله روی آنها از مسکو باشد و ترکیه که ظاهراً با افغانستان مرزی مشترک ندارد، عدم دعوت از پاکستان و یا امتناع آن کشور از شرکت در چنین کنفرانسی، با تمام دوری و نزدیکی کنونی پاکستان با امریکا و پیمان شانگهای، گویای آن است که وقتی پای تأمین امنیت منطقه و مبارزه علیه فعالیت های تروریستی و حامیان تروریست پرور آن در میان باشد، پاکستان می باید در خارج درها منتظر بماند .

\* صحبت "حمد الله محب"، مشاور تازه انتخاب شده "غنی" که تمام مراحل مکتب و پوهنتون را از همان آغاز دوران مراقت در انگلستان سپری نموده و یکی از تولیدات جدید "MI6" به شمار رفته و درسهایش را در "سیا" نیز ادامه

داده است، در همان آغاز جلسه و از این موضع صحبت نمودن که **"تا هنگامی که گروه‌های هراس‌افکن در افغانستان از پشتیبانی‌های مالی و تسلیحاتی خارجی برخوردار اند امکان برخورد مؤثر با آنها وجود ندارد"** در واقع می‌تواند به علاوه غایب جلسه یعنی پاکستان، به نحوی برای اولین بار به صورت رسمی و علنی مقابله جوئی اداره مستعمراتی کابل را با روسیه و ایران نیز نشانه گرفته باشد.

\*- صحبت سرپرست هیأت روسیه "نیکلای پاتروشف"، دبیر شورای امنیت روسیه در این جلسه و هشدار می‌دهد که به ارتباط اوضاع افغانستان و فعالیت‌های هراس‌افکنان خارجی داد و صریحاً ابراز داشت که اوضاع در حال بدتر شدن است و ممکن است گروه داعش سناریوی سوریه را در افغانستان تکرار کند و با همان صراحت اعلام داشت که **"حضور نظامی آمریکا در افغانستان نه تنها تأثیری در ایجاد ثبات و امنیت نداشته است بلکه سبب پیچیده‌تر شدن بحران امنیتی در این کشور شده است"**. می‌تواند بازتاب تشدید تضاد های جهانی و منطقه‌ئی روسیه امپریالیستی و امپریالیزم آمریکا به شمار آمده، کمانه های سیاسی چنین فیری را در پارلمان اداره مستعمراتی و جیره خواران دایمی امپریالیزم به ارتباط بازنگری پیمان امنیتی با آمریکا و حتا زمزمه های نچندان بلند، بیرون راندن کامل آمریکا از افغانستان مشاهده نمود .

\*- هر چند موضعگیری های نمایندگان چین و هند و حتا ایران به حدت چنین تقابل آشکار بین "محب" و "پاتروشف" نبود، مگر جریان کنفرانس و قطعنامه نهائی آن نشان داد که نماینده اداره مستعمراتی هر کسی که باشد و در هر سطحی از وابستگی که با استخبارات انگلیس و آمریکا قرار داشته باشد وقتی در جلسه ای در موجودیت کشور های منطقه شرکت نماید ناگزیر است، بین تضاد همسوئی و هم‌آهنگی با کشور های منطقه و اشغالگران آمریکائی دست و پا زده، تلاش نماید تا از گیرماندن در یکی از آن دو دام خودداری نماید .

\*- آنچه در اینجا بیشتر از همه چیز موضع نمایندگان اداره مستعمراتی کابل را زیر فشار قرار می‌داد، تقابل منافع افغانستان به مثابه یک کشور مستقل، با افغانستان به مثابه یک کشور اشغال شده و تابع سیاست های کشور های اشغالگر بود.

وقتی قرار باشد به قضیه از موضع یک افغانستان مستقل، یعنی کشوری که منافع ملی خاص خود را دارد، نظر انداخته شود، ایجاب می‌نماید تا دولت افغانستان با تمام همسایگان هم به منظور تأمین امنیت خودش و هم به منظور رسیدن به رفاه، چنان روابط حسنه ای را برقرار نماید که در نوع خود بتواند الگوی سایر کشور ها باشد. یعنی در امور داخلی آنها مداخله نکند، از خاک خود به هیچ نیروی هراس افکنی اجازه صدور هراس افکنی در کشور های همسایه را ندهد، به هیچ قدرت و نیروئی در جهان اجازه ندهد تا افغانستان را تخته خیز و تخته پرش برای تجاوزات و یا تهدیدات تجاوزگرانه علیه این و یا آن کشور بسازد، ضمن دفاع استوار از منافع ملی خود، از موضع یک کشور مستقل و حافظ منافع ملی و تاریخی به هیچ کشوری اجازه ندهد منافع ملی افغانستان را نادیده بگیرد، تا چه رسد به این که خدشه دار ساخته و یا از آنهم بدتر زیر پای نماید، در هیچ پیمانی علیه هیچ یک از همسایگان شرکت نرزد و ... با اتخاذ چنین سیاستی ممکن است بتوان پایه ها و اساس یک روابط خوب، همسو و حتا متحدانه با همسایگان قایم نمود، چنان روابطی که غم و شادی ما را آنها از خود بدانند و ما از آنها را مال خود.

عکس قضیه آنچه فعلاً در افغانستان اشغال شده و مستعمره مقهور امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم جنایتگستر آمریکا جریان دارد، کیست که نداند اداره مستعمراتی کابل در جمیع امور خرد و بزرگ نه تنها از خود اراده ای ندارد بلکه موظف است همان را انجام دهد که امپریالیزم از وی می‌خواهد، امپریالیزم از وی می‌خواهد تا میزبان تروریستهای بین المللی باشد، اداره مستعمراتی همان را پذیرفته افغانستان را به مهمانخانه تمام تروریستان از داعش

گرفته تا هر جنایتکار دیگری می سازد، امپریالیزم از وی می خواهد تا با همسایگان به جای دوستی روابط خصمانه ایجاد کند، به تروپست ها اجازه دهد تا مرزها و کشور های آنها را از خاک افغانستان تهدید کند، همان را انجام می دهد که از وی خواسته شده است و با تکیه بر زور بازوی ارباب علنی خود آن را انجام می دهد، در عمل شمال، غرب و جنوب و جنوب شرق کشور را در اختیار کشور های امپریالیستی و یا چوکره های منطقه ئی آنها قرار داده تا تهدیدی باشند علیه همسایگان به صورت دائم. در چنین فضائی شرکت در کنفرانسها و جلساتی از سنخ جلسه تهران، به جز ماهیت دنباله روانه مقامات اداره مستعمراتی را به نمایش گذاشتن، نمی تواند هیچ تأثیر دیگری بر جای گذارد.

\*- یکی از نمونه های چنین سیاستی و خود را مفتضح ساختن را می توان در ماده پنجم قطعنامه کنفرانس تهران مشاهده نمود، در آن ماده آمده است: " ۵. از اقدامات مؤثر جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در مقابله با تهدیدات تروریستی از جمله داعش در سوریه حمایت می کنند."

آیا این موضع، یعنی حمایت از روسیه و ایران در رابطه با مسایل سوریه موضع رسمی و اعلان شده اداره مستعمراتی کابل است. جواب صد در صد منفی است. اداره مستعمراتی کابل در جریان تمام این ۷ سالی که در سوریه آتش و خون می بارد با تقلید میمون وار از امپریالیزم جنایتگستر امریکا و چاکر منطقه ئی آن عربستان سعودی و خسر خیل های "غنی" صهیونیست های اسرائیل، تا سرحدی در تقابل با سیاست های بشار اسد و در نتیجه ایران و روسیه قرار داشته که حتا حاضر شده بود با "محقق" و طنفرش آتش یک جنگ قومی - مذهبی جدیدی را به نیابت از عربستان و ایران در افغانستان باز هم مشتعل بسازد.

\*- این تنها موردی نیست که در قطعنامه مورد توافق نماینده "غنی" ، به رژیم ولایت جهل و پوتین این امکان را می دهد تا از آن در مجامع بین المللی آنهم درست در زمانی که اربابان "غنی" به ارتباط سوریه بر طبل جنگ می کوبند، استفاده نمایند.

این که پذیرش چنین قطعنامه ای چه تبعاتی برای "محب" خواهد داشت، آیا سرش را خواهد خورد و یا به حساب عدم تجربه، این یکبار را به وی می بخشند، بحثی است که آینده آن را روشن خواهد نمود ، تا جایی که به شرایط امروز و مردم افغانستان رابطه می گیرد، می توان با صراحت تام ابراز داشت :

تا زمانی که اشغالگران در افغانستان حضور فزینگی و معنوی دارند و تا زمانی که ارتجاع مذهبی قسماً دست در دست امپریالیزم و قسماً در تظاهر به ضدیت با امپریالیزم در افغانستان موقعیت تعیین کننده دارند، هیچ فرد و هیچ نیروئی که تابع اراده آنها باشد نمی تواند به نفع افغانستان و مردم دربند آن کوچکترین گامی بردارد .

لازمه خدمت به افغانستان، حتا مقدمه و سرآغاز خدمت به افغانستان، تقابل خونین با امپریالیزم و ایادی آن در کشور است.

**به پیش بدان سمت!**